

مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران

سیدرضا صالحی امیری*

افسر افشاری نادری**

چکیده

اگرچه بروز آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها در جوامع مختلف، تا حدودی طبیعی است، اما ذات زندگی اجتماعی بشر همواره با کمبودها، نارسایی‌ها و اختلالاتی مواجه است که بروز ناهنجاری‌ها را ناگزیر می‌سازد. اگر این معضلات به میزانی رسیدند که به مسئله اجتماعی تبدیل شدند، شایسته توجه و تدبیر جدی بوده و بایستی علل و عوامل افزایش‌دهنده بسترها، زمینه‌ها و همچنین ابعاد و زوایای این ناهنجاری‌ها بررسی و شناخته شوند و مبتنی بر پژوهش‌ها و مطالعات، سیاست‌ها و راهکارهای کنترل و مهار، تدوین گردد. مسائل و آسیب‌های امنیت اجتماعی و فرهنگی، پدیده‌های غیر فردی، واقعی، نسبی، قانونمند و قابل کنترل هستند که طرح و شناسایی علمی آنها مستلزم وجود یک واحد اجتماعی مشخص و اندیشمند است که با تعامل گروهی، جهت ارتقا و مدیریت آن اقدام گردد. مفهوم "فرهنگ امنیتی" از این اندیشه ناشی می‌شود که در هر نظامی، امنیت باید به منزله حقوق اساسی یک شهروند تلقی گردد؛ حقوقی که افراد جامعه می‌توانند خواهان رعایت آن از جانب مسئولان اجرایی شوند. گفتمان‌های جدید در نگاه به امنیت اجتماعی برخلاف دیدگاه‌های سنتی، امنیت را در بستر اجتماعی آن مطالعه می‌نمایند که از این منظر مؤلفه‌های اجتماعی در تکوین، استقرار و استمرار امنیت، نقش برجسته‌ای پیدا می‌کنند و در این چشم‌انداز است که پارادایم‌های تحلیلی متفاوتی متناسب با شرایط اجتماعی هر جامعه برای تحلیل و طراحی استراتژی‌های امنیت پدیدار می‌شوند. پژوهش حاضر در راستای این اهداف، با بررسی اسنادی و پیمایشی احساس امنیت در تهران، در تلاش برای رسیدن به راهکارهای کنترل و مهار امنیت می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در میان متغیرهای اثرگذار بر امنیت، بیشترین تأثیر را متغیر سرمایه فرهنگی داشته است. بنابراین با نگاهی کلان به جامعه و با توجه به نتایج پژوهش، به طراحی الگوی ارتقای مدیریت امنیت اجتماعی و فرهنگی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

امنیت، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی، احساس امنیت، بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، حمایت اجتماعی، مدیریت امنیت فرهنگی و اجتماعی.

Email: dr.salehiamiri@gmail.com

Email: os_naderi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۰

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

** دکترای مدیریت فرهنگی

تاریخ ارسال: ۸۹/۰۹/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال بیستم / شماره ۵۹ / تابستان ۱۳۹۰ / صص ۷۶-۴۹

مقدمه

شهر، محل سکونت، رفت و آمد، کار، تفریح و مکانی است برای زندگی و زیستن که البته باید مهبیای زیستن هم باشد. لذا باید سازوکاری اندیشیده شود که مردم بتوانند در شهرها راحت زندگی کنند. زیستن با آسودگی، سازوکارهای متعدد و وسایل گوناگونی را طلب می‌کند که سرلوحه آنها امنیت است. یعنی شهر باید ایمن باشد که هر کسی چه زن و چه مرد و یا کودک بتواند آزادانه و بدون درگیر شدن با مخاطرات و با خیال راحت در هر ساعت شبانه‌روز در کوچه و بازار، خیابان و محله تردد کند، به پارک برود، گردش و تفریح کند، فکر کند و بنویسد، با توجه به توانایی‌ها و علاقه خود رشته مورد نظر خود را انتخاب کند و آنگاه با تکیه بر تجربیات، تخصص، دانش و قابلیت‌های خود به کار مشغول شود، بی‌آنکه برای این عمل بهایی سنگین - از جان، سرمایه اقتصادی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی خود بپردازد.

امنیت اولین عاملی است که موجب می‌شود انسان‌ها کنار هم آیند، از نیروی هم کمک گرفته، در مسئولیت‌های اجتماعی مشارکت جویند تا آسوده‌تر و متعهدتر زندگی کنند. توسعه و پیشرفت جامعه و

برخورداری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های لازم اجتماعی و فرهنگی همواره نیازمند بهره‌مندی از امنیت است. امنیت از مقولات بسیار مهم و رایج حیات بشری از گذشته‌های دور تا امروز بوده که ضمن پشت سر نهادن تحولات عمده در گذر زمان، نه تنها اهمیت آن کاهش نیافته، بلکه هر روز بر اهمیت آن نیز افزوده شده و ابعاد وسیع‌تری یافته است. امنیت در گذشته در پرتو قدرت نظام تحقق پیدا می‌کرد، ولی امروز با تحولی که در فناوری ارتباطات به وجود آمده، قدرت ارتباطات با ابزار اطلاعات جای قدرت نظامی را گرفته و امنیت در ابعاد گسترده‌تری اهمیت یافته و احساس ضرورت آن نه تنها در ابعاد مادی، بلکه در ابعاد معنوی نیز قابل تحقق است. اما سؤال اینجاست که چگونه می‌توان به امنیت دست یافت؟ چگونه عوامل تشدیدکننده ناامنی را کنترل نمود تا هر کس ناچار نباشد بار سنگینی از مخاطرات و ریسک‌پذیری را در حوزه عمومی یا خصوصی با خود حمل کند؟

عدم اعتماد بین فردی، گروهی و اجتماعی مانع از ایجاد ارتباط سالم و تعاملات اجتماعی شده، حس سوء ظن به اطرافیان و محیط بنیادی ریسک‌های اجتماعی را بالا برده و فردگرایی را جانشین

جمع‌گرایی کرده است، سرمایه‌های اجتماعی در چنین شرایطی به هدر رفته و امکان دستیابی به اهداف به حداقل ممکن نزول خواهد کرد.

سرمایه اجتماعی بر مبنای اعتماد عمومی شکل می‌گیرد، زیرا اعتماد، به پشتیبانی مردم از نظام‌های سیاسی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی منجر خواهد شد و فرصت لازم را در اختیار نخبگان جامعه قرار می‌دهد تا به اصلاحات، ارتباطات و گفتگو بپردازند. سرمایه اجتماعی همان عاملی است که هم در حوزه‌هایی که دولت نظارت دارد و هم در حوزه‌هایی که اصولاً امکان نظارت دولت وجود ندارد، رفتارها را پیش‌بینی کرده و ریسک‌پذیری را به حداقل می‌رساند. در اینجا باید در نظر داشت که تا چه حد می‌توان شاخص‌های امنیت متعدد و بی‌شمار را با یکدیگر تلفیق کرد؟ قطعاً حدی از تلفیق برای پرهیز از پراکندگی و عدم انسجام می‌تواند حاصل کاربرد تعداد بی‌شماری از شاخص‌های متمایز باشد. اما اگر پیوستگی قومی میان عناصر تشکیل‌دهنده شاخص وجود داشته باشد، تلفیق ضروری نخواهد بود. در غیر این صورت، وجود پیوستگی اندک میان شاخص‌های متفاوت و

تعیین علت آن از جهات گوناگون مفید است و در نتیجه شاخص‌های تعدیل‌شده مد نظر قرار می‌گیرد.

۱- چیستی امنیت

به طور کلی امنیت را می‌توان از نقطه نظر اجتماعی و فرهنگی، وضعیتی آرام تلقی کرد که انسان در نهایت ایمنی نسبت به جان، مال، ناموس، حیثیت، هویت، ارتباطات، تفکرات، ارزش‌ها و... خود چه در زمان حال و چه در آینده اطمینان داشته و شبانه‌روز را با تحمل حداقل ریسک ممکن سپری سازد. تنها زمانی که قوانین جامعه بر اساس توافق جمعی و رضایت عمومی به صورت یک قرارداد اجتماعی مورد تأیید و قبول متقابل افراد هسته‌های اجتماعی قرار گیرد و منافع ملی بر منافع فردی اولویت یابد، می‌توان به تحقق نوعی آرامش درونی در افراد و آسودگی از تعرض و تهدید اطمینان پیدا کرد. در غیر این صورت، سیستم امنیتی آن جامعه فاقد دیواره و لایه‌های ضربه‌گیر لازم خواهد بود. دیوار شیشه‌ای چنین جامعه‌ای، هر صدا، نوشته، گفتار، تصویر، رفتار و اندیشه مخالف را به شدت انعکاس داده و در چنین فضایی، همه چیز و همه کس می‌توانند، تهدید علیه امنیت اجتماعی تلقی گردند و ناامنی اجتماعی شکل می‌گیرد. حال اگر

بخواهیم مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی و اداری را نیز بر این مجموعه تهدیدات بیفزاییم، به ویژه به ناهماهنگی‌های موجود بین افزایش قیمت‌ها و سطح درآمد افراد جامعه، تورم گسترش یافته، کیفیت نامطلوب محصولات و اقلام مصرفی، افزایش قیمت خدمات، عدم کارایی، وجود بی‌اعتمادی و عدم تعهد در محیط کار و سوء استفاده از امکانات همگانی، عدم استفاده مطلوب از دستگاه‌ها و نهادهای عمومی و... اشاره نماییم، متوجه بحران امنیتی در جامعه خواهیم شد.

۲- رویکردهای اساسی به امنیت

۲-۱- گفتمان امنیت منفی

در این دیدگاه، امنیت در نبود تهدید نظامی معنا می‌شود و سیاست امنیتی متوجه دستیابی به حداکثر توان نظامی برای تفوق بر دشمنان داخلی و خارجی و کسب امنیت می‌باشد (نویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶).

۲-۲- گفتمان امنیت مثبت

در این دیدگاه، امنیت به "نبود تهدید" تعریف نمی‌شود، بلکه افزون بر "نبود تهدید" وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های جمعی نیز مد نظر می‌باشد. این

دیدگاه برای امنیت ماهیتی "تأسیسی" قائل است و بر این باورند که امنیت تنها در وضعیتی وجود دارد که آن جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل پاسداری از منافعش دست یافته باشد (لیک و مورگان، ۱۳۸۱، صص ۴۵ - ۴۰).

این دیدگاه "امنیت" را توانایی و شرایط عینی می‌داند که در بستر آن می‌توان به "منافع همگانی" دست یافت. آنچه تحت عنوان "جهانی شدن" از آن یاد می‌شود، با اتکا به این چارچوب می‌تواند مفید و کارآمد ارزیابی گردد (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲، صص ۷۸ - ۷۰).

۳- ابعاد امنیت

۳-۱- امنیت اجتماعی

کارل دبلیو دویج^۱ در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: منظور از امنیت اجتماعی، گروه همبسته‌ای^۲ از مردم در یک سرزمین (قلمرو) در امتداد زمانی است که دارای احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده، آداب و رسوم فراگیر، قدرتمند و به اندازه کافی قابل اطمینان بوده و حیات اجتماعی را در زمانی طولانی بیمه می‌کند و تغییرات آرام توأم با انتظارات قابل پیش‌بینی را در میان

1. Karl W.Deuth
2. Integrated

اجتماعی، هویت ملی، مذهبی (مذاهب) و رسوم اجتماعی می‌باشد".

مک سوئینی در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: "امنیت اجتماعی آن است که چگونه جوامع منافع و هویتشان را خلق و باز تولید می‌کنند" (Bilgin, 2003). هایزمن نیز معتقد است: "امنیت اجتماعی بر تهدیدات علیه هویت فرهنگی بیش از حق حاکمیت دولت‌ها متمرکز است" (Bilgin, 2003).

نمونه بارز تجربی بعد اجتماعی، منزل و مسجد است. وسیله ارتباطی در این دو واحد تعهد و دوستی است. یعنی در منزل و مسجد عمدتاً تعهد ذخیره شده است. به تعبیر دیگر، این دو واحد غالباً به تعامل اجتماعی با یکدیگر می‌پردازند. مضامین در منزل و مسجد، معمولاً سنت‌ها هستند. البته این دو واحد از دو جنس نسبتاً متفاوت هستند. به عبارت دیگر مسجد یک اجتماع عقیدتی است و روابط اجتماعی در آن غالباً از نوع برادری آرمانی می‌باشد، در حالی که منزل یک اجتماع طبیعی است و روابط اجتماعی در آن از نوع برادری خونی است.

امنیت اجتماعی مواردی چون امنیت زیستی یا بنیادی، جانی، سرمایه‌ای، قضایی و ارتباطی را نیز شامل می‌شود.

مردمش تجربه می‌کند (Goetschel, 1999). وی در تعریف کاربردی خویش، امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می‌گیرد (Goetschel, 1999).

گکز^۳ (۱۹۹۹) معتقد است: امنیت اجتماعی در یک مفهوم وسیع، حقوق بشر، توسعه، مسائل جنسیتی و موارد دیگری را که به آن برچسب امنیت انسانی زده می‌شود، دربرمی‌گیرد. وی علاوه بر مؤلفه‌های اخیر، مؤلفه‌های دیگری نظیر عدالت در سطح ملی، ریشه‌کن کردن فقر، آزادی نسل‌های آتی برای به ارث بردن یک محیط سالم را مطرح می‌سازد. آلکیر^۴ (۲۰۰۵) در تعریف خود از ناامنی اجتماعی، بر تهدیدات خشونت‌های داخلی، بحران‌های مالی، فقر، جنگ و رفتارهای جنایی (مجرمانه) متمرکز شده است (Goetschel, 1999).

مولر در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: "توانایی یک جامعه برای دوام ویژگی‌های اساسی آن در فرایند تغییرات محیطی و در برابر تهدیدات واقعی یا احتمالی و به طور خاص امنیت اجتماعی، توانایی محافظت و شرایط قابل پذیرش برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوندهای

3. Gechs
4. Alkire

۲-۳-۲- امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی عبارت است از «ایجاد وضعیتی مطمئن، آرامش‌بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض در انسان، نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها، ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و... به عبارت دیگر، مصونیت فرهنگ فرد و جامعه از هر گونه تعرض و تهدید را امنیت فرهنگی گویند» (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

امنیت فرهنگی در معنای عینی آن فقدان تهدید به میراث فرهنگی و آثار و ارزش‌های کسب شده است و در معنای ذهنی آن فقدان ترس از هجمه‌ها و حلقه‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله و یا نابودی قرار می‌دهد.

نمونه بارز تجربی بعد فرهنگی، کتابخانه است. کتابخانه مظهر نظام منطقی جامعه است. در کتابخانه عمدتاً اندیشه‌ها ذخیره شده‌اند. واحد بسیط فرهنگ در کتابخانه، اندیشه متنی است و رابطه عمده در آن از نوع رابطه منطقی است. مدرسه، دانشگاه، رسانه‌ها، هنر و تفریحگاه‌ها مصداق تجربی نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه است. در مدرسه اندیشه‌ها در روابط گفتمانی رد و بدل می‌شوند. در تفریحگاه، شادی و نشاط که

عامل امنیت روانی است، تولید و مبادله می‌شود. پس وجود گفتمان آزاد، بدون سانسور و انتخاب شادی و نشاط از جمله شاخص‌های فرهنگی محسوب می‌شوند. امنیت فرهنگی خود به امنیت بهداشتی، روانی، اخلاقی، حیثیتی، عاطفی و حمایتی تقسیم می‌شود.

۳-۳-۱- امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی و مالی به معنای ایجاد آنچنان نظامی در اجزا و بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه است که افراد را از احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز خود مصون دارد. نمونه بارز تجربی تعریف مفهومی بعد اقتصادی امنیت، بازار و بانک است. وسیله اصلی ارتباطی در این دو نوع واحد، پول است. یعنی در بازار و بانک ثروت مادی و پول ذخیره شده و روابط غالب بین کنشگران، از نوع روابط مبادله‌ای، باید در محیطی امن صورت گیرد. بدیهی است در این نوع واحد عمدتاً محصولات و خدمات بین کنشگران مبادله می‌شوند.

وجود امنیت را در این بعد، با شاخص‌هایی نظیر سرمایه‌گذاری‌ها، توزیع عادلانه ثروت، استفاده از امکانات به‌طور یکسان، مبارزه با مفسد اقتصادی و اداری،

اختلاس، ارتشا، کاهش عوارض مختلف دولتی و تعرفه‌های معقول و غیرضروری و ثبات بازار مشخص می‌سازند.

۳-۴- امنیت سیاسی

به معنای فراهم نمودن امکان اظهار نظر برای افراد، پیرامون چگونگی اداره جامعه و شرکت در این گونه امور بدون احساس بیم و هراس می‌باشد.

نمونه بارز تجربی تعریف مفهومی بعد سیاسی، کلانتری، زندان، دادگاه و نهادهای تأمین‌کننده حقوق مدنی است. وسیله اصلی ارتباطی در این دو نوع واحد، زور است. یعنی در کلانتری و زندان عمدتاً زور ذخیره شده و روابط غالب بین کنشگران از نوع روابط اجباری است. اما تأکید ما بیشتر بر نهادهای تأمین‌کننده حقوق مدنی است که واحد آن اعتماد است، زیرا اعتماد پشتوانه همه نهادهای اجتماعی است.

۴- احساس امنیت

احساس امنیت، حاصل اعتماد به تعاریفی از زندگی است که هویت و هستی انسان بر مبنای آن سامان می‌گیرد و این احساس در خانواده پی‌ریزی شده و بر پایه اعتماد بنیادینی، ریشه در لطف و محبت بی‌دریغ والدین، به ویژه مادر دارد. احساس

امنیت دارای ویژگی‌های زیر است (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۷۰):

- احساس امنیت ذهنی است.
- احساس امنیت به خودی خود قابل تعریف نیست و بر مبنای بود و نبود خطر، قابلیت تعریف می‌یابد.
- احساس امنیت یک فرایند است، در طول زمان جریان دارد و در هر لحظه بر اساس برآورد خطر تغییر می‌پذیرد.
- این وجه امنیت (ذهنی) مهم‌تر از جنبه عینی آن است.
- احساس امنیت ضمن اطمینان به شناخت‌ها، هستی‌شناختی فرد را سامان می‌بخشد و پایه و بنیان وجود آدمی را درمی‌نوردد.

۵- جامعه‌شناسی امنیت

جامعه‌شناسی امنیت به مکانیسم ایجاد و گسترش امنیت در زمینه اجتماعی می‌پردازد. اینکه امنیت و ناامنی چگونه در تعامل بین نهادها و گروه‌ها شکل می‌گیرد، موضوع اصلی جامعه‌شناسی امنیت است (نصری، ۱۳۸۱، ص ۶۱۳).

از دیدگاه جامعه‌شناسی امنیت، برای دستیابی به امنیت پایدار در جامعه، ضروری است که درون‌مایه‌های روابط و تبادلات اجتماعی، به‌طور دقیق تعریف و تبیین شوند،

بدین معنا که روابط اجتماعی، باید بر قرارداد و تعهد اجتماعی استوار باشد و نه بر اساس اجبار و منافع فردی. یقیناً هر چه روابط اجتماعی مستحکم‌تر و منسجم‌تر باشند، امنیت نیز پایدارتر و مداوم‌تر خواهد ماند و زمینه شکل‌گیری و ایجاد مقوله‌ای به نام «سرمایه اجتماعی» افزایش خواهد یافت. در جامعه‌شناسی امنیت یک پرسش اساسی وجود دارد و آن عبارت است از اینکه یک وضعیت امن و یا ناامن از کدام شرایط یا بستر اجتماعی - فرهنگی برخوردار بوده است؟

جامعه‌شناسی امنیت، امنیت را متغیری وابسته نمی‌داند و بیشتر به امنیت در جامعه به عنوان متغیری مستقل و پویا می‌نگرد، به عبارتی، تأثیرگذار بر بسیاری جریانات است. در رویکرد جامعه‌شناسی به امنیت، امنیت به مثابه یک فرایند اجتماعی اساسی مطرح است، در این وضعیت افراد امکان ابقا و تحرک یافته و بدون تهدیدات خشونت‌آمیز می‌تواند به فرهنگ و هویت خود پایبند باشد. جامعه‌شناسی امنیت هم می‌تواند مورد توجه عینی‌گرایان و ذهنی‌گرایان باشد، چراکه از یک سو نظم اندیشه مبتنی بر ارزش‌های مطلوب افراد جامعه در تفسیر تحولات و نگاه به امنیت مؤثر است و از سوی دیگر، رویدادها

و تعاملات اجتماعی می‌تواند نوع نگرش و دید نظام در مورد امنیت را تحت تأثیر قرار دهد (کلمنس، ۱۳۸۴). جامعه‌شناسی امنیت، رویکردی است ناظر بر عصاره و مبنای امنیت که در پی تبیین ضرورت دوام و بقای تعامل اجتماعی به مثابه یک ایده‌آل در فضای امنیتی می‌باشد. ایجاد و مدیریت تغییرات با هدف برقراری نظم مجدد (نصری، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸) و (فرخجسته، ۱۳۸۰، ص ۳۵۲).

۶- امنیت از منظر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی

۶-۱- امنیت در اندیشه آگوست کنت

رابطه نظم و امنیت نخستین بار از دیدگاهی جامعه‌شناسانه به وسیله آگوست کنت مورد بررسی قرار گرفت. کنت بر این نکته تأکید داشت که جامعه به وجود نمی‌آید، مگر آنکه اعضایش اعتقادات واحدی داشته باشند. بدین‌سان جامعه نیز مانند هر پدیده طبیعی مادی، تابع قوانین تغییرناپذیری است و در صحنه زندگی اجتماعی همواره مجموعه‌ای اصول و قواعد وجود دارد که باعث می‌شود عقل افراد با توافق یک صدا از افکار کلی که منجر به آیین مشترک می‌گردد، تبعیت کنند و با این

روند عادی امنیت قرار دهد و نظم اجتماعی نهادینه شده را ایجاد کند.

۶-۲- امنیت در اندیشه امیل دورکیم

امیل دورکیم معتقد است که جامعه نیازمند انضباط و نظارت بر اعمال افراد و محدود کردن تمایلات و آرزوهای سیری ناپذیر آنان از طریق فشار اجتماعی است (تنهایی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۳). این فشار و تحمیل اجتماعی در نظامی ساختاری از همبستگی اجتماعی رخ می‌دهد و سلامت جامعه را منوط به میزان درجه همبستگی اجتماعی می‌داند. همبستگی اجتماعی می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه را تعیین کند.

دورکیم دو نوع حقوق تنبیهی و ترمیمی را در حقیقت برای برقراری نظم و وجود امنیت در جامعه مورد توجه قرار می‌دهد. حقوق ترمیمی عبارت است از ایجاد همزیستی منظم و مقرر بین افرادی که وضع اجتماعی آنها از هم متمایز است، شامل قوانین جبران‌کننده و ترمیم‌کننده خسارات، مانند حقوق اداری و تجاری و حقوق تنبیهی که خطاها یا جرایم را کیفر می‌دهد و معرف وجدان جمعی در جوامع دارای همبستگی است (کوزر، ۱۳۷۰).

هماهنگی بین ذهن‌ها، نظم اجتماعی استقرار می‌یابد (نویدنیایا، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

بر این اساس، جامعه‌شناسی امنیت از دیدگاه کنت به بررسی عواملی می‌پردازد که در روند تحول طبیعی جوامع اختلال ایجاد کرده و استقرار مرحله اثباتی را به تعویق می‌اندازد. از دید وی، امنیت فکری وجهی از امنیت اجتماعی است که در واقع جامعه برای دستیابی به نظم اجتماعی پایدار، نیازمند تبادل افکار و عقاید در شرایط آرام و بدون دغدغه و هراس است که این امر در گروه امنیت فکری است. مصونیت اندیشه‌ها و افکار از خطرات و تهدیداتی چون سانسور، شرایط را برای امتزاج و توافق اذهان فراهم نموده و بستر لازم را برای ایجاد نظم جدید بر مبنای اجماع جدید در روندی طبیعی و نظم اجتماعی که ضامن امنیت است، فراهم می‌کند (نویدنیایا، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

کنت امنیت فکری را به عنوان وجهی اساسی از امنیت اجتماعی می‌داند، زیرا جامعه برای رسیدن به نظم اجتماعی که اساس اصلی امنیت است، نیازمند تبادل اندیشه‌ها و عقاید در شرایطی آرام و بدون نگرانی و ریسک است که این امر در گروه امنیت فکری است. مصونیت اندیشه‌ها از ریسک‌هایی چون سانسور، عدم آزادی بیان، عقاید نوآورانه و خلاق، می‌تواند جامعه را در

به عقیده دورکیم، مذهب نیز دیگر قادر نیست با حذف علل عمیق شرع به نابسامانی پایان دهد. ادیان در جامعه جدید بیش از پیش جنبه انتزاعی و فکری پیدا می‌کنند. ادیان بدین‌سان گرچه تا حدودی تصفیه می‌شوند، اما نقش اجبار اجتماعی خویش را هم از دست می‌دهند (Durkheim, 1956). ادیان از افراد می‌خواهند که از شهوات خویش بگذرند و بر اساس قانون معنوی زندگی کنند، لکن دیگر قادر به تعیین تکالیف یا قواعدی که انسان در زندگی غیردینی‌اش باید از آنها تبعیت کند، نیستند. از دیدگاه دورکیم، همبستگی یا نحوه جذب فرد در اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده و خلاق در جامعه است. با این حال عنصر اصلی تداوم حیات اجتماعی، نظم اخلاقی است و شامل مجموعه‌ای از قواعد می‌باشد که بر روابط اجتماعی حکمفرماست. بنابراین، همبستگی اجتماعی یک پدیده اخلاقی و معنوی است که نمود عینی نظم اخلاقی است. لذا امنیت معلول نظم اخلاق یا اخلاقیات مشترک است، به گونه‌ای که با حضور ارزش‌ها و باورهای مشترک به همان نسبت که پیوند و علقه‌های جمعی افزایش می‌یابد، امکان تعدی به حقوق یکدیگر و تجاوز به مال و جان دیگران کاهش

پیدا می‌کند. از این رو می‌توان در رویکرد دورکیم وضعیتی را توصیف کرد که در آن همبستگی اجتماعی وجود داشته باشد و افراد به جهت پایبندی به مجموعه‌ای از عقاید و احساسات مشترک، ملزم به رعایت حق و حقوق دیگران باشند. دورکیم امنیت را در همبستگی جامعه دانسته و بر مقررات و قواعدی تأکید می‌کند که ریسک‌پذیری آزار رساندن افراد به یکدیگر را کاهش داده، حقوق دیگران را رعایت و امیال و خواسته‌های افراد را مهار کند و بدین‌سان امنیت با ایجاد نظم اجتماعی از طریق قوانین و مقررات با ایجاد نظم حقوقی، تکالیف افراد را مشخص ساخته و افراد به لحاظ وابستگی به جامعه و به یکدیگر، خود را موظف می‌سازند تا حدود یکدیگر را رعایت کنند و نیازی به قوای قهری و بیرونی که هزینه‌های جامعه را نیز افزایش می‌دهد، نباشد.

۶-۳- مارکس و امنیت اجتماعی

مارکس برای جواب دادن به اینکه انسان در اجتماع چگونه، بر چه اساسی، تحت هدایت چه چیزی، زندگی جمعی و رفتارهای خویش را سامان داده و از خطرات و تهدیدات در امان می‌ماند، مدلی از تضاد را مطرح کرد. مارکس با این فرض کار خود را آغاز می‌کند: سازمان‌بندی اقتصادی به ویژه

مالکیت و ابزار تولید ساختار کل جامعه را تعیین می‌کند. نگاه به مکانیسم‌هایی در جامعه که تضاد را اجتناب‌ناپذیر و قهرآمیز می‌کردند و انعکاسی از مبانی اقتصادی جامعه بودند، ویژگی عمده نظریات مارکس را تشکیل می‌دهد.

او معتقد است که انسان اجتماعی و آگاه برای رفع نیازهای جسمانی خود میل به انجام فعالیت آگاهانه (یعنی کار) دارد. از این رو او «امنیت» را در ارتباط با «کار» معنا می‌کند و امنیت را به دفع خطرات و آسیب‌ها به منظور استمرار بقا و حیات بشر و بهبود شرایط زندگی در نظر می‌گیرد (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۱۰).

بر این اساس امنیت از دو حوزه معنایی تشکیل می‌شود، امنیت برای نیروهای تولیدی و امنیت روابط تولید. تأمین امنیت نیروهای تولیدی از طریق حفظ و مراقبت از منابع طبیعی و محیط زیست، چگونگی به‌کارگیری فناوری و نوع تولیدات تکنولوژیکی و از همه مهم‌تر وجود وضعیت و شرایطی که فرایند عقلانی کار یا فرایند کنش‌مندان کار را تأمین می‌کند، باید دانست. به این ترتیب امنیت نیروهای تولیدی به شرایطی معطوف است که انسان قدرت خود را در کار حفظ نماید و روند

عقلانه کار به برآورده شدن نیازهایش منجر شود. نه آنکه بی‌اقتدار در کار، برنامه‌ای را که فرایند تولید بر او تحمیل می‌کند، انجام دهد. به تعبیر دیگر، امنیت نیروهای تولیدی یعنی توانایی حفظ قدرت مولد به گونه‌ای که فرایند کار تحت تسلط انسان قرار گیرد و او نظام کار را اداره کند، نه آنکه تحت حکومت و سیطره آن قرار گیرد.

دیدگاه مارکسیستی امنیت، خصلت طبقاتی دارد و میان امنیت و طبقات اجتماعی ارتباط قائل است و امنیت را حفظ منافع طبقاتی و مالکیت وسایل تولید می‌دانند، یعنی طبقه مسلط با قبولاندن منافع خصوصی خود به عنوان منافع ملی بیشتر از سایر طبقات خواهان امنیت است. به همین دلیل امنیت را کنترل وسایل تولید و روند انباشت سرمایه و اعمال نفوذ در تولید، دستمزدها و قیمت‌ها تعبیر کرده و امنیت جامعه را به امنیت برای خود تبدیل می‌کند.

۴-۶- آنتونی گیدنز و امنیت

از نظر گیدنز، امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله شده و یا به حداقل رسانده شده باشند. تجربه امنیت به تعادل، اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت چه به معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به

انبوه‌ها یا مجموعه‌هایی از آدم‌ها تا حد امنیت جهانی و یا به افراد ارتباط داشته باشند (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۴۴). به این ترتیب گیدنز مصونیت در برابر خطر را «امنیت» می‌داند. در نظر وی، خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که وقتی روی امنیت در دست است، خطر حداقل است و به‌عکس زمانی که با خطر دست و پنجه نرم می‌کنیم، امنیت معشوش و پنهان است.

بنابراین گیدنز دو وجه از زندگی را در راستای دو وجه از امنیت طرح می‌کند. امنیت در وجه عینی به شیوه زندگی نظر دارد، یعنی امکان زندگی برای تمامی افراد به گونه‌ای که در جوامع مدرن تعریف می‌شود، فراهم گردد و افراد جامعه از سطح قابل قبولی برای گذران زندگی و انتخاب شیوه زندگی بهره‌مند باشند. اما امنیت در وجه ذهنی به خشنودی و رضایت فرد از خویش نظر دارد که با نحوه انتخاب راه و روش زندگی وی محقق می‌شود.

۶-۵- پارسونز و امنیت اجتماعی

نظام الگومندی از روابط اجتماعی میان کنشگران و الگوهای مناسبات اجتماعی را باید به منزله الگوهای هنجاری (نهادهای اجتماعی) تلقی کرد. نهادهای اجتماعی،

چارچوب یک جامعه را تشکیل می‌دهند. این قبیل نهادهای اجتماعی، ساختارهای کلانی است چون ازدواج، مناسبات خویشاوندی، مالکیت، مبادلات کالایی، دیوان‌سالاری، تخصص، حاکمیت - حکومت انتخابی - توحد، فرق مذهبی و آموزش اختیاری و نهادهای فردی هستند که حیات موقت دارند.

بنابراین ساخت اجتماعی به لحاظ مفهومی واقعیتی است که عناصرش را انتظاراتی الگومند و فرهنگی تشکیل می‌دهد که نهاد اجتماعی نامیده می‌شود. نهادهای اجتماعی، الگوهای هنجاری هستند که در یک جامعه معین شیوه‌های مطلوب یا مورد انتظار کنش یا روابط اجتماعی را مشخص می‌کنند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵، صص ۶۱-۴۳).

نظام اجتماعی نیز از دید پارسونز، ساخت‌هایی خاص از کنش اجتماعی است که به منزله فرایندهای کنش متقابل در نظر گرفته می‌شود. فرایندهایی که در آنها اگرچه پارسونز به نظم در کنش اجتماعی اشاره دارد، ولی به آن معنا نیست که وی غافل از بی‌نظمی و عدم انسجام در اجزای نظام است. بدین وصف چهار بعد نظم، ابعاد بی‌نظمی نیز هستند (کرایپ، ۱۳۷۸، ص ۸۱).

پارسونز هم به نظم در نظام اجتماعی توجه دارد و هم به نظم در چارچوب رابطه کنش اجتماعی. وی همچنین به نظام فرهنگی (ارزش‌ها و هنجارها) و به نظام اقتصادی (حیات مادی) توجه می‌کند. به نظر می‌رسد پارسونز به نظام بیشتر از رابطه و به ارزش‌ها، بیشتر از حیات مادی توجه داشته است (کرایپ، ۱۳۷۸، صص ۷۴-۷۲).

هر نظامی از جمله نظام کنش، دارای سه شرط ساخت، کارکرد و فرایند است. الگوهای هنجاری و در سطح انتزاعی‌تر متغیرهای ساختی (الگوی) از مؤلفه‌های نسبتاً پایدار نظام کنش هستند و برای اینکه نظام کنش دوام بیاورد، برخی نیازهای اولیه نظام باید برآورده شود و این بعد کارکردی نظام کنش است. بنابر طبیعت نظام کنش، فرایند تغییرات و فعالیت‌ها نمی‌تواند تصادفی باشد و باید طبق قواعدی صورت گیرد (لوپز، ۱۳۸۵، صص ۶۲-۶۱). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کارکردهای یک نظام زنده با مجموعه فعالیت‌هایی متناظر است که نیازهای نظام را به عنوان نظام برآورده می‌کنند. دوام هر نظام منوط به آن است که بتواند فعالیت‌های لازم را سازمان دهد و به راه اندازد. پارسونز اعتقاد دارد که روابط بین نظام‌ها پیچیده بوده و در عین حال دارای مرزهایی هستند که آنها را از

یکدیگر متمایز و مستقل می‌کند. استقلال نظام‌ها، در عین وابستگی آنها به یکدیگر است و همدیگر را به طور متقابل تکمیل می‌کنند (روشه، ۱۳۷۶، صص ۸۴-۷۳). وی در تحلیل کارکردی نظام کنش، تمایز بین هدف و وسیله را توسط مفاهیم متناظر کارکرد مصرفی که برای نیل به هدف‌های نظام است و کارکرد ابزاری که برای جستجو و استفاده از وسایل است، توضیح می‌دهد.

بنابراین هر نظام چهار ضرورت کارکردی مستقل از یکدیگر دارد که باید به میزان کافی پاسخ گیرد تا تعادل و تداوم هستی جامعه حفظ شود:

۱. اولین ضرورت کارکردی، حفاظت و نگهداری اتحاد در پیوستگی نظام ارزشی و نهادینه شده ارزش‌های آن است. فرایند نگهداری، ثبات و استواری نظام در مقابل فشارها برای تغییر نظام ارزشی است، فشارهایی که از دو منبع اولیه سرچشمه می‌گیرند. مقاومت‌سازی در مقابل این دسته از منابع بالقوه تغییر مدیریت تنش^۵ نامیده می‌شود. (Parsons, 1984, pp. 15-17).

۲. دومین ضرورت کارکردی، حفظ انسجام و قاعده یکپارچه‌سازی یا ادغام سیستمی در روابط بین اجزای نظام است.

نظام اجتماعی با کارکرد انسجام (ادغام)، همبستگی و وفاداری به اصول و پیمان‌ها به وجود می‌آورد و حدود آزادی عمل را تعیین می‌کند (روشه، ۱۳۷۶، ص ۸۲).

بنا به عقیده پارسونز، کار نظام اجتماعی ایجاد ارتباطات و هماهنگی‌های لازم، تقویت همبستگی و صمیمیت در میان اعضا، جلوگیری از اختلاف و کجروی در نظام فرعی و در نهایت یگانه و هماهنگ کردن اجزای نظام کنش است (روشه، ۱۳۷۶، ص ۹۷).

۳. سومین ضرورت کارکردی نظام کنش، دستیابی به هدف‌هاست و به مجموعه کنش‌هایی می‌پردازد که می‌خواهند هدف‌های نظام را تعیین کنند و برای رسیدن به این هدف‌ها و دریافت پاداش مطلوب، منابع و انرژی لازم را بسیج کرده و اداره می‌کنند (روشه، ۱۳۷۶، ص ۷۶). این کارکرد در نظام کنش به خرده‌نظام شخصیتی^۶

بازمی‌گردد. نظام شخصیتی، الگوهای نظام فرهنگی را از طریق نظام اجتماعی دریافت می‌کند و توسط این نظام، الگوهای فرهنگی در نظام شخصیتی یگانه می‌شود. نظام شخصیتی به عنوان نظام هدفجو و تصمیم‌گیر دارای کارکرد حل مشکل

دستیابی به هدف و نیازهای فردی و جمعی است (ترنر، ۱۳۷۳، ص ۶۱).

چنانچه واحدهای انگیزشی شخصیت یا حالات نیاز^۷ (تمایلات نیازی) اشخاص یا جمع‌ها در قالب کنش اجزا، حمایت‌کننده یا تقویت‌کننده یکدیگر باشند، در عملکرد نظام مثر ثمر و مفید خواهند بود و گاهی ممکن است کارکرد آنها بازدارنده یکدیگر بوده و تضاد ایجاد نماید (Parsons, 1984, p. 18).

۴. چهارمین ضرورت کارکردی نظام کنش، انطباق‌پذیری است. کارکرد انطباق به مجموعه اجزای کنشی که روابط میان نظام کنش و محیط بیرونی‌اش را تأمین می‌کند، گفته می‌شود. پس پارسونز با مطالعه خرده‌نظام‌های کنش (فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی و زیستی) پیش‌نیازهای مربوط را در سه محور اصلی زیر خلاصه می‌کند (کرایپ، ۱۳۷۸، صص ۵۹-۵۸):

(الف) هر نظامی باید با محیط خود انطباق پیدا کند (از طریق نهادهای اقتصادی و حمایتی).

(ب) هر نظامی باید وسایلی برای بسیج منابع خود داشته باشد تا بتواند به هدف‌های خود دست یابد و ایجاد رضایت کند. (از طریق نهادهای سیاسی).

تأکید می‌کند. با اختلال در نهاد قانون، تضادهای هنجاری و هنجارهای ضعیف، یکپارچگی اجتماع را به مخاطره می‌اندازد (نامنی هنجاری و قانونی).

- نهاد فرهنگ نشان‌دهنده حراست، تنظیم حقیقت اساسی است. نهاد فرهنگ بر اساس اصل عالی اخلاقی یا ارزش‌های آسمانی، بیاناتی را به عنوان ارزش فرهنگی تبدیل به رفتار می‌کند. با اختلال در این کارکرد، اجتماع قادر نیست مشروعیت لازم اخلاقی را عرضه نماید (نامنی فرهنگی) (روشه، ۱۳۷۶، صص ۱۰۴-۱۰۳).

در واقع محور و مرکز سنجش امنیت‌بخشی یا امنیت‌زدایی جامعه به وسیله نهادهای قانونی و حقوقی صورت می‌گیرد. این نهادها با تعیین تکلیف‌ها، همبستگی و یگانگی جامعه را رقم می‌زنند و عوامل مزاحم و مخل انسجام را توسط بازوهای انتظامی، کنترل و مجازات می‌کنند.

۸- چارچوب نظری پژوهش

در نظریه کارکردگرایی ساختاری دو وجه از اهمیت خاصی برخوردار هستند، یکی ساخت و دیگری کارکرد. برای آنکه یک نظام اجتماعی بتواند به حیات خود ادامه دهد، لازم است از ساختاری بهره‌گیرد که توان برآوردن چهار کارکرد ضروری را داشته باشد.

ج) هر نظام باید هماهنگی درونی اجزای خود را حفظ کند و شیوه‌های برخورد با انحراف را به وجود آورد. به عبارتی، خود را منسجم و یکپارچه نگاه دارد.

۷- اختلال در کارکردها (نامنی اجتماعی)

اختلال در هر کارکردی، نوعی نامنی اجتماعی ایجاد می‌کند:

- نهاد اقتصاد نشان‌دهنده مهیا بودن جامعه برای سازگار شدن با محیط است. اختلال در فعالیت نهادها و کارکردهای اقتصادی، فرایند انطباق‌پذیری را با مشکل مواجه می‌کند (نامنی اقتصادی و حمایتی).

- نهاد سیاست نشان‌دهنده مهیا بودن قدرت و اقتدار در بسیج منابع و وجود قوانین مدون و مشروعیت نظام حکومتی است. با اختلال در فعالیت نهاد سیاسی و کارکردهای سیاسی، فرصت‌های دستیابی به منابع و منافع نابرابر شده و توزیع منزلت‌های اجتماعی، تعارض و تضاد ایجاد می‌کند (نامنی سیاسی).

- نهاد قانون نشان‌دهنده معیاربندی روابط مهم اجتماعی، میزان انتظارات، تصمیم‌گیری‌های عادلانه، تعیین وظایف و بیان حقوق شهروندی است. همچنین وجود نهاد قانون بر وظایف افراد نسبت به یکدیگر

ساختار نظام اجتماعی از آن جهت مورد ملاحظه قرار می‌گیرد که با تحلیل کارکرد آن بتواند چگونگی برآورده شدن نیازهای اجتماعی آن را تبیین نمود. در این روند جامعه نیز با استفاده از ساختارهای نهادمند پاسخگوی چهار کارکرد ضروری است. هرچه تفکیک حوزه کارکردی نهادها مشخص‌تر و مرز فعالیت آنان تعریف شده‌تر باشد، احتمال برآورده شدن نیازها بیشتر خواهد بود. بنابراین از این دیدگاه، تفکیک ساختار پیش‌شرط تأمین کارکردهای اساسی نظام اجتماعی خواهد بود.

اعتماد، اطمینان، همکاری و همیاری از جمله شاخص‌های امنیت هستند که اگر در افراد جامعه درونی نشده باشند، تحقق اجبارگونه امنیت با توسل به زور و قدرت موجب تأمین امنیت و بهره‌مندی اعضای جامعه از امنیت نخواهد شد. در واقع امنیت نیازمند یک بستر رشد و زایش است. افراد باید به حقوق دیگران احترام گذارند و از تعدی و تجاوز به دیگران ممانعت کنند. همین‌طور می‌توان از این منظر امنیت را یک ارزش دانست که در هنجارهای اجتماعی تبلور پیدا می‌کند، همانند عدالت که در دستگاه قضایی و نقش قاضی واقعیت پیدا می‌کند، امنیت نیز باید در دستگاه حقوقی و

انتظامی جامعه و در نقش انسجام‌دهندگان به جامعه، سامان گیرد.

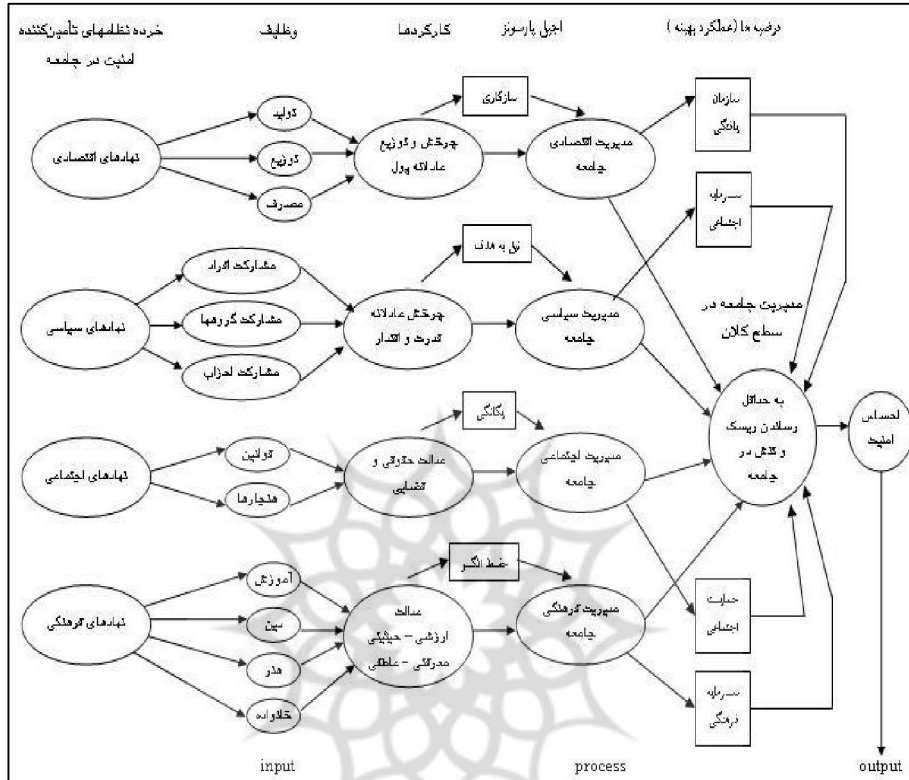
از منظری دیگر، جامعه به مثابه یک ارگانسیم، زمانی می‌تواند امنیت را تحقق بخشد که واحدهای آن همگی در روند خدمتگذاری به کلیتی که بقای جامعه را تداوم بخشد، انجام وظیفه نمایند و این خدمتگذاری در قالب وظایف کارکردی تداوم و استمرار یابد. خطر و ناامنی معلول شرایطی است که اختلال در ایفای کارکرد خرده‌سیستم‌های جامعه به وجود آمده باشد. بر این منوال، امنیت جامعه "امنیت کارکرد" است، یعنی امنیت در سایه ایفای کارکرد نهادهای جامعه میسر می‌گردد.

با توجه به مباحث نظری، حفظ تعادل یا ثبات ضرورت هر نظام است و ساخت اجتماعی حافظ ثبات اجتماعی است. اگر ساخت اجتماعی با ارزش‌های جامعه ناسازگار باشد، آن ساخت باید برای بقا و ادامه توسعه سالم، تغییر اجتماعی را بپذیرد.

۹- فرضیه‌های پژوهش

۱. جرائم نشان‌دهنده بی‌ثباتی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و ضعف نظم اجتماعی است. هر قدر بی‌سازمانی اجتماعی افزایش یابد، امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد و به‌عکس.

شکل شماره (۱) - مدل تحلیلی فرضیه‌ها



۲. فشار و تنش‌های ساختاری سبب می‌گردد تا مشارکت و هم‌نوایی افراد و گروه‌ها در جامعه کاهش یابد. بی‌اعتمادی سبب قطعیت روابط و کاهش سرمایه‌های اجتماعی می‌شود و این امر سبب کاهش امنیت اجتماعی و فرهنگی می‌گردد.

۳. وجود اختلال در رقابت‌های آموزشی و فرصت‌های معرفتی سبب کاهش سرمایه‌های فرهنگی شده و محرومیت‌های

۱۰- مدل تحلیلی فرضیه‌ها

مدل تحلیلی فرضیه‌ها در شکل شماره (۱) ارائه شده است.

۱۱- روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایشی جهت انجام بررسی‌ها استفاده شده است. واحد مشاهده در این پژوهش هر فرد بالای ۱۷ می‌باشد. با توجه به جامعه آماری، کلیه خانوارهای ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بالغ بر ۱/۱۱۶/۴۰۳ نفر است که با توجه به بزرگ بودن این تعداد جمعیت، برای تعیین تعداد نمونه پژوهش از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه در جامعه بزرگ استفاده شده است. برای ایجاد دقت بیشتر و نیز امکان وجود همه صفت‌های مورد بررسی به میزان کافی جهت انجام آزمون‌های آماری لازم، تعداد ۶۰۰ نفر در نظر گرفته شده و تعداد نمونه‌ها برای هر یک از چهار موقعیت مختلف افراد در خانواده شامل، پدر، مادر، پسر و دختر به‌طور مساوی و به تعداد ۱۵۰ نفر تعیین گردید. برای نمونه‌گیری، همه مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در نظر گرفته شده‌اند. به دلیل عدم امکان دستیابی به تعداد خانوارهای واجد شرایط تحقیق به تفکیک مناطق مختلف شهر تهران، محاسبه تعیین نسبت جمعیت نمونه برای هر منطقه، با توجه به جمعیت هر منطقه صورت گرفت.

در بین ۲۲ منطقه شهر تهران ۶۰۰ پرسشنامه (میان ۳۰۰ زن و ۳۰۰ مرد) بر اساس روش pps (نمونه‌گیری متناسب با حجم) توزیع شده است. پاسخگویان از لحاظ منطقه، سن، تحصیل، تأهل و شغل به‌قرار زیر بوده‌اند:

بر حسب منطقه ۳۸ درصد بالا، ۴۶ درصد متوسط و ۱۶ درصد ساکن در منطقه پایین می‌باشند (مناطق ۱، ۲، ۴، ۳، ۵، ۶ و ۲۲ به عنوان مناطق بالا، مناطق ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۰ و ۲۱ مناطق متوسط و مناطق ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، و ۱۹ مناطق پایین در نظر گرفته شده است). ۳۵ درصد پاسخگویان از ۲۶ تا ۳۶ سال، ۳۴ درصد از ۱۵ تا ۲۵ سال، ۱۸ درصد، از ۳۷ تا ۴۷ سال، ۹ درصد، از ۴۸ تا ۵۸ سال، ۲/۵ درصد از ۵۹ تا ۶۹ سال و ۵ درصد از ۷۰ تا ۸۰ سال بودند. ۸/۳ درصد از پاسخگویان زیر دیپلم، ۳۰ درصد دیپلم، ۹ درصد فوق دیپلم، ۴۲ درصد لیسانس و ۷/۸ درصد فوق لیسانس بودند. ۵۵ درصد از پاسخگویان متأهل و ۴۵ درصد مجرد بودند. ۳۲ درصد از پاسخگویان شغل دولتی، ۲۵ درصد غیردولتی، ۱۱ درصد خانه دار و ۲۶/۵ درصد را بیکاران تشکیل می‌دادند.

جدول شماره (۲) - متغیر بی‌سازمانی اجتماعی و جایگاه آن در امنیت اجتماعی

گویه‌ها	تعداد پاسخ‌های معتبر	میزان درصد			
		خیلی زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
خودکشی	۵۹۸	۱۱	۳۴	۳۳	۱۶
سرقت اتومبیل	۵۹۶	۲۲	۴۲	۲۷	۸
سرقت منزل	۵۹۹	۱۲	۳۸	۳۲	۱۴
آدم ربایی	۵۹۷	۷۶	۱۹	۳	۲۲
فراوانی مواد مخدر	۵۹۸	۷۶	۱۹	۳	۰/۲
آدم‌کشی	۵۹۶	۱۱	۳۱	۳۱	۱۹
خیانت به همسر	۵۹۸	۴۱	۳۳	۱۶	۸
فرار دختران	۵۹۶	۲۳	۳۸	۲۳	۱۱
کودک آزاری	۵۹۷	۱۷	۳۳	۲۴	۱۸
قانون شکنی	۶۰۰	۵۸	۳۰	۸	۳
درگیری خیابانی	۵۹۹	۳۲	۳۷	۲۱	۸
طلاق	۵۹۴	۴۰	۴۵	۱۰	۴
مزاحمت خیابانی	۵۹۶	۳۵	۴۱	۱۷	۵
گسترش اعتیاد	۵۹۸	۷۱	۲۳	۳	۱

شاخص‌های آماری: میانگین: ۵۳/۹۳ میانه: ۵۵ نما: ۵۹ انحراف معیار: ۹/۶۹

جدول شماره (۱) - آمار امنیت اجتماعی - فرهنگی در جامعه تهران

گویه‌ها	تعداد پاسخ‌های معتبر	میزان درصد			
		خیلی زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
امنیت در حوزه ثبات زندگی	۵۸۶	۱۲	۲۷	۳۴	۱۶
امنیت در حوزه شیوع بیماری	۵۹۵	۳۱	۴۲	۲۰	۶
امنیت در حوزه کمبود دارو	۵۹۷	۱۵	۳۱	۳۵	۱۵
امنیت در حوزه آلودگی هوا	۵۹۹	۷۱	۲۲	۵	۱
امنیت در حوزه آلودگی مواد غذایی	۵۹۷	۲۱	۳۱	۳۰	۱۳
امنیت در حوزه احتمال از دست دادن شغل	۵۴۷	۲۴	۲۳	۲۱	۱۲
امنیت در حوزه خطرات شغلی	۵۹۳	۱۳	۱۸	۴۱	۱۵
امنیت در حوزه آزادی فکری - بیانی	۵۹۲	۵	۱۴	۴۱	۲۲
امنیت در حوزه اثر مشکلات اقتصادی بر باورها	۵۹۲	۳۶	۳۶	۱۶	۷
امنیت در حوزه جنسیت	۵۸۹	۴	۹	۲۰	۲۸
امنیت در حوزه اقتصادی	۵۹۵	۵۳	۳۱	۲۱	۲
امنیت در حوزه مسکن	۵۸۴	۷۴	۱۴	۲	۲
اثربخاری بر احساس امنیت	۵۹۲	۶۰	۲۳	۲	۲

شاخص‌های آماری: میانگین: ۳۹/۲۱ میانه: ۳۹ نما: ۳۹ انحراف معیار: ۴/۹۱

جدول شماره (۳) - متغیر بی‌اعتمادی به
میزان کارآیی سازمان‌ها در رابطه با
بی‌سازمانی اجتماعی

گویه‌ها	تعداد پاسخ‌های معتبر	میزان درصد			
		بسیار کم	متوسط کم	متوسط زیاد	خیلی زیاد
میزان کارایی رسانه‌ها	۵۹۶	۱۶	۱۴	۳۱	۲۳
میزان کارایی وزارت کشور	۵۸۴	۱۵	۲۴	۳۶	۱۷
میزان کارایی نیروی انتظامی	۵۹۱	۱۰	۱۸	۳۵	۲۵
میزان کارایی آموزش و پرورش	۵۹۳	۱۱۲	۱۹	۳۷	۲۳
میزان کارایی مجلس شورای اسلامی	۵۹۳	۱۶	۲۲	۳۴	۱۸
میزان کارایی قوه قضائیه	۵۹۰	۱۸	۲۱	۳۵	۱۸
میزان کارایی وزارت ارشاد	۵۸۶	۱۸	۲۱	۳۴	۱۶
میزان کارایی مدارس	۵۹۳	۱۱	۱۸	۳۸	۲۳
میزان کارایی دانشگاه‌ها	۵۹۳	۱۲	۱۵	۴۱	۱۸

شاخص‌های آماری: میانگین: ۳۴/۳۵ میانه: ۳۳ نما:

۳۲ انحراف معیار: ۹/۰۳

جدول شماره (۴) - متغیر سرمایه اجتماعی
و جایگاه آن در امنیت اجتماعی

گویه‌ها	تعداد پاسخ‌های معتبر	میزان درصد			
		بسیار کم	متوسط کم	متوسط زیاد	خیلی زیاد
میزان اعتماد نسبت به خریدار	۵۸۸	۴۱	۳۱	۱۸	۶
میزان قابل اعتماد بودن نسبت به دیگران	۵۸۷	۰/۸	۳	۳۰	۴۰
میزان عدم اعتماد دیگران به شما	۵۸۵	۲۴	۳۱	۳۳	۱۰
میزان اطمینان به دور اندیشی مسئولان	۵۸۶	۲۴	۲۷	۳۵	۹
میزان اطمینان تخصص و مهارت مسئولان	۵۸۴	۲۴	۲۷	۳۵	۹

میزان اطمینان به تجربه و پختگی مسئولان	۵۸۴	۲۴	۲۷	۳۵	۹	۳
میزان اطمینان به استفاده درست از امکانات توسط مسئولان	۵۸۵	۳۱	۳۱	۲۶	۶	۴
میزان اطمینان به حس وظیفه‌شناسی مسئولان	۵۸۴	۳۵	۲۶	۲۵	۷	۵
میزان اطمینان به صداقت مسئولان	۵۸۶	۳۹	۲۵	۲۳	۷	۵
میزان اطمینان به عمل به وعده‌های مسئولان	۵۸۵	۴۴	۲۸	۱۶	۵	۴
میزان اطمینان به پذیرش انتقاد از سوی مسئولان	۵۸۴	۳۵	۳۱	۲۲	۷	۳
میزان فساد اقتصادی مسئولان	۵۸۱	۲۶	۱۴	۱۶	۱۷	۲۴
میزان اطمینان به مصرف درست بیت‌المال از سوی مسئولان	۵۷۴	۲۹	۱۷	۲۴	۱۴	۱۲
میزان تبعیض در برابر قانون	۵۸۴	۳	۴	۱۶	۳۱	۴۴
میزان یکسان نگاه کردن قانون به مردم	۵۸۰	۴۴	۲۴	۲۰	۵	۴
میزان انتظار حمایت از قانون در پایداری حقوق	۵۸۵	۲۹	۲۳	۲۶	۱۲	۸
میزان شکاف طبقاتی در تهران	۵۹۳	۱	۰/۵	۷	۲۷	۶۴
میزان فعالیت در شوراها	۵۹۰	۴۸	۲۴	۱۶	۶	۴

شاخص‌های آماری: میانگین: ۶۳/۳۵ میانه: ۶۹ نما: ۶۹

انحراف معیار: ۱۱/۳

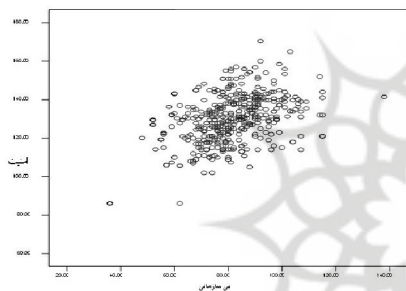
جدول شماره (۶) - آزمون همبستگی بین متغیر وابسته امنیت اجتماعی - فرهنگی با

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	نوع ضریب همبستگی	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری
بی سازمانی اجتماعی	پیرسون	۰/۴۶۵	**
سرمایه اجتماعی	پیرسون	۰/۵۳۶	**
سرمایه فرهنگی	پیرسون	۰/۵۴۳	**
حمایت اجتماعی	پیرسون	۰/۰۸۷	-

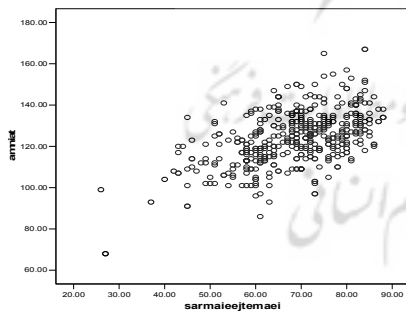
نمودار شماره (۱) - همبستگی بین متغیر

بی سازمانی اجتماعی و امنیت اجتماعی



نمودار شماره (۲) - همبستگی بین متغیر

سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی



جدول شماره (۵) - متغیر سرمایه فرهنگی و جایگاه آن در امنیت فرهنگی

گویه‌ها	تعداد پاسخ‌های معتبر	میزان درصد			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
نقش پول در موفقیت	۵۹۴	۲۶	۷	۳	۲
نقش تحصیل در موفقیت	۵۹۵	۲۵	۳۵	۱۳	۷
میزان آزادی بیان	۵۸۷	۱۰	۲۶	۲۷	۳۱
میزان حمایت دادگاه از مردان	۵۸۶	۲۲	۳۴	۱۵	۱۰
میزان سهولت رفت و آمد زنان در طول شبانه روز	۵۹۴	۳	۱۲	۲۳	۵۹
میزان شکاف طبقاتی در تهران	۵۹۳	۲۷	۷	۰/۵	۱
تأثیر رسانه در تردید ارزش‌ها	۵۸۹	۳۳	۲۸	۱۲	۳
اثر منفی رسانه در فرهنگ خانواده	۵۹۰	۳۰	۳۲	۱۲	۶
میزان آزادی انتخاب شادی	۵۹۵	۱۳	۳۸	۲۳	۲۳
میزان آزادی انتخاب اوقات فراغت	۵۹۳	۱۸	۳۴	۲۴	۱۸
میزان فرار مغزها	۵۹۰	۲۵	۱۶	۷	۳
میزان ترک تحصیل	۵۹۲	۳۵	۳۲	۱۶	۳
میزان افت تحصیلی	۵۹۱	۴۵	۲۳	۸	۰/۸
میزان انصراف از برگزاری مراسم‌ها به دلیل هزینه	۵۹۱	۲۲	۳۱	۱۷	۱۴

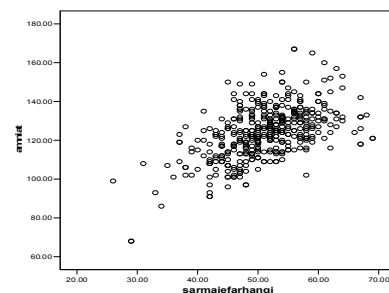
شاخص‌های آماری: میانگین: ۵۱/۱۲ میانسه: ۵۱ نما:

۵۰ انحراف معیار: ۶/۵۸

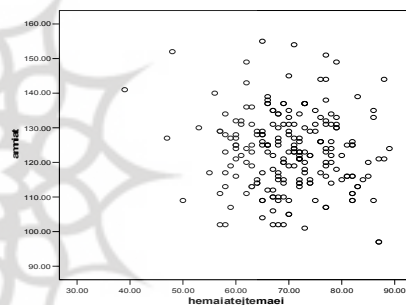
مشکلات اقتصادی بر احساس امنیت (۰/۸۴)، میزان نگرانی مردم نسبت به مسکن (۰/۸۸)، اثرات بیکاری بر امنیت (۰/۸۳)، در حوزه‌های حوزه شیوع بیماری (۰/۷۳)، در حوزه‌های کمبود دارو و آلودگی مواد غذایی (۰/۵۳)، نبود آزادی‌هایی که منجر به خلاقیت می‌شود و همین‌طور در حوزه تبعیض جنسیت (۰/۶۶) نشان می‌دهد: مردم تهران نسبت به شرایط حال و آینده خود و فرزندان‌شان احساس ناامنی شدیدی می‌کنند. آنها احساس اعتماد و اطمینان نسبت به وعده‌های مسئولان ندارند و روزمرگی خود را با ریسک‌پذیری زیاد می‌گذرانند و نسبت به آینده نیز خوشبین نمی‌باشند.

البته این احساس در مناطق دوگانه شهر، یعنی شمال و جنوب تهران، متفاوت بوده و مردم مناطق شمالی تهران نسبت به جنوب آن از احساس بالاتری از امنیت برخوردار بوده‌اند که این امر حاکی از وجود شکاف طبقاتی گسترده میان مردم، نابرابری اجتماعی و یکسان نبودن فرصت‌هاست که خود یکی از دلایل ناامنی محسوب می‌شود. البته لازم به ذکر است که احساس رعایت اصول اخلاقی و عواطف انسانی در مناطق جنوبی، علی‌رغم نبود سایر امکانات رفاهی عمیق‌تر از مناطق شمالی تهران بوده است که در جای خود لازم به بررسی است.

نمودار شماره (۳) - همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی و امنیت فرهنگی



نمودار شماره (۴) - همبستگی بین متغیر حمایت اجتماعی و امنیت فرهنگی



فرجام

یافته‌های آماری به‌دست آمده در رابطه با متغیر امنیت اجتماعی - فرهنگی نشان می‌دهد که جهت‌سنجش این متغیر لازم است چندین گویه عملیاتی و با هم ترکیب شوند تا شاخص امنیت اجتماعی و فرهنگی را ارزیابی نمایند.

گزینه‌هایی چون آلودگی هوا (۰/۹۳)، احتمال از دست رفتن شغل (۰/۴۷)، اثرات مشکلات اقتصادی بر باورها (۰/۷۲)، اثرات

آزمون فرضیه یک "امنیت و بی‌سازمانی اجتماعی" با متغیرهایی چون وجود جراثمی مانند بالا بودن میزان خودکشی، سرقت، آدم‌ربایی، فراوانی مواد مخدر، آدم‌کشی، خیانت به همسر، فرار دختران، کودک‌آزاری، قانون‌شکنی، درگیری‌های خیابانی، طلاق، گسترش اعتیاد و... همین‌طور بی‌اعتمادی به کارآیی نهادها و سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی در تهران اندازه‌گیری شده و بالا بودن این آمارها حاکی از آن است که موارد فوق برای مردم تهران تهدیدکننده است.

همبستگی میان متغیر بی‌سازمانی اجتماعی و امنیت اجتماعی ($r = .465$) فرضیه یکم این پژوهش را مورد تأیید قرار می‌دهد. به عبارت دیگر هر چه میزان جرایم و بی‌نظمی افزایش یابد، امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد و به‌عکس.

آزمون فرضیه دو "امنیت و سرمایه اجتماعی" با متغیرهایی چون میزان اعتماد میان زن و شوهر و سایر افراد خانواده، خریدار و فروشنده، دوستان و آشنایان و مواردی چون انتظار مردم از مسئولان در موارد صداقت، دوراندیشی، تجربه، استفاده از امکانات در راه‌های نفعی مردمی، وظیفه‌شناسی آنان، انتقادپذیری، فساد، نگاه یکسان و بدون تبعیض به مردم و...

رضایت‌آمیز نبوده و فرضیه دوم این پژوهش با همبستگی نسبتاً قوی ($r = .536$) میان امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. به عبارت دیگر، هر چه میزان سرمایه‌های اجتماعی افزایش یابد امنیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و به‌عکس.

آزمون فرضیه سه "امنیت و سرمایه فرهنگی" با متغیرهایی چون نقش پول و تحصیل در موفقیت و ارتقای پایگاه‌های اجتماعی، میزان آزادی‌های فکری، نوشتاری و گفتاری، چگونگی گذران اوقات فراغت، انتخاب شادی، تردید در ارزش‌ها، نگاه‌های جنسیتی، میزان ترک تحصیل، افت تحصیل، فرار نخبگان و... اندازه‌گیری شده است. داده‌های به‌دست‌آمده بسیار تردیدآمیز و توأم با نارضایتی از موارد فوق بوده و همبستگی میان سرمایه فرهنگی و امنیت فرهنگی ($r = .543$) با قاطعیت مورد تأیید قرار گرفته است. به عبارت دیگر، هر چه سرمایه‌های فرهنگی افزایش یابد، امنیت فرهنگی نیز افزایش می‌یابد و به‌عکس.

آزمون فرضیه چهار "امنیت و حمایت اجتماعی" با متغیرهایی چون میزان تعهد، صمیمیت، مساعدت، مصاحبت، حمایت‌های عاطفی، خدماتی، مالی و اطلاعاتی در

شبکه‌های ارتباطی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی داده‌ها حاکی از این است که متغیرهای فوق چندان در میان شهروندان تهرانی محل نگرانی ندارد و همبستگی میان امنیت اجتماعی و حمایت اجتماعی ($r = .87$) پایین است. به عبارت دیگر، مردم در مجموع از جانب خویشاوندان، دوستان، همسایگان و سایر آشنایان حمایت‌های کمی دریافت می‌کنند و روابط خویشاوندی علی‌رغم کاهش، اما کاملاً از میان نرفته است.

می‌توان این روابط را از نوع (تعامل تعمیم‌یافته) طبقه‌بندی نمود. به عنوان نمونه، فرزندان از حمایت والدینشان در سال‌های کودکی و جوانی بهره می‌برند، در حالی که ممکن است با حمایت والدینشان در زمان پیری آن را جبران نمایند.

داده‌ها حاکی از آن است که تهران، جامعه‌ای ریسک‌پذیر است. جامعه ریسک‌پذیر جامعه‌ای است که در آن ریسک‌های فردی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به طور فزاینده‌ای تمایل به رهایی از قید و بند نهادهایی دارند که آنها را تحت کنترل درآورده و از وقوعشان جلوگیری می‌نماید. ویژگی مهم مدرنیته این است که ریسک چنان اهمیتی پیدا می‌کند که در

سطح وجدان اجتماعی انعکاس می‌یابد. بیشتر جنبه‌های زندگی ما به‌طور آشکار در چارچوب «سناریوی اندیشه» قرار می‌گیرد؛ گویی پیامدهای اجتماعی در آینده ایجاد می‌شوند.

مفهوم ریسک در فرهنگ جدید نقش حیاتی دارد و این با گسترش اهمیت اعتماد که ابزاری برای کنترل ریسک‌ها و مقابله یا عدم قطعیت است، رابطه دارد. به گفته لوهمان شخص باید اعتماد را به عنوان ابزار مقاومت در برابر پیچیدگی آینده به کار برد.

در چنین جامعه‌ای افت سرمایه‌های اجتماعی اولین ویژگی اساسی محسوب می‌شود. پایین آمدن سرمایه اجتماعی، زندگی عادی مردم را متوقف نمی‌کند. زندگی جریان دارد، اما همه امور پرهزینه‌تر و کندتر می‌شود و مهم‌تر از آن، فعالیت‌های خلاق و نوآورانه در عرصه اقتصاد و تولید متوقف می‌شود و بی‌اعتمادی گسترش می‌یابد. در شرایط فقدان سرمایه اجتماعی، دولت نیز نمی‌تواند رفتار مردم را به خوبی پیش‌بینی کند و روابط میان مردم با یکدیگر نیز بسیار دشوار و پرهزینه می‌شود. اعتمادها رخت برمی‌بندد، اخلاقیات سست می‌شود و رفتار مردم با یکدیگر رفتار مسافرانی می‌شود که قرار نیست با هم زندگی کنند، بلکه به اجبار، دوره‌ای با یکدیگر هم سفر هستند.

شناخت وجود ریسک‌های مختلف در جامعه و آگاهی از شرایط اجتماعی و فرهنگی کمک خواهد کرد تا به مقابله فرهنگی با عناصر خطا در جامعه برآییم. نگاه صرفاً جغرافیایی و سخت‌افزاری امنیت، نه تنها باعث افزایش امنیت نخواهد شد، بلکه ممکن است باعث کاهش امنیت نیز شود.

احساس امنیت و امنیت اجتماعی با میزان جرم و ضریب امنیتی موجود در جامعه ارتباط دارد و این موضوع گرچه با قدرت و توان پلیس و سایر نیروهای حافظ نظم در ارتباط است، اما اتکا به قدرت زور و جبر نظامی، همان نگاه سخت‌افزاری به مسئله جرم در جامعه است. کشتن دزد و جانی و یا به زندان انداختن آن شاید در کوتاه‌مدت باعث کاهش جرم شود، اما نمی‌توان از سرنوشت خانواده مجرم و یا گذشته نامطلوب و پایگاه انتسابی و ناخواسته مجرم در درازمدت، غافل شد.

ارائه تئوری فرهنگی امنیت اجتماعی

در تئوری فرهنگی امنیت، مهم‌ترین عنصر برای ایجاد، نگهداشت، کنترل و پایداری امنیت، فرهنگ است. این تئوری عنوان می‌کند که "امنیت را باید با فرهنگ در سیستم اجتماعی ایجاد کرد نه با نیروهای جبری. فرهنگ‌سازی امنیت باید با توجه به

با توجه به یافته‌های پژوهش، تهران را می‌توان به عنوان یک جامعه ریسک‌پذیر (بالا بودن ریسک در جامعه) معرفی نمود، چراکه اگر برای مردم دیگر حرف هیچ مقامی و قانونی اعتمادآور نباشد، با تکیه بر کدام سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی خود را به خطر بیندازند؟ به همین علت است که پرداخت وام به افزایش سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری به تولید و تولید به اشتغال نمی‌انجامد، مالیات‌ها کاهش، اما تولید بالا نمی‌رود، موانع صادرات حذف می‌شود، ولی صادرات جهش نمی‌کند.

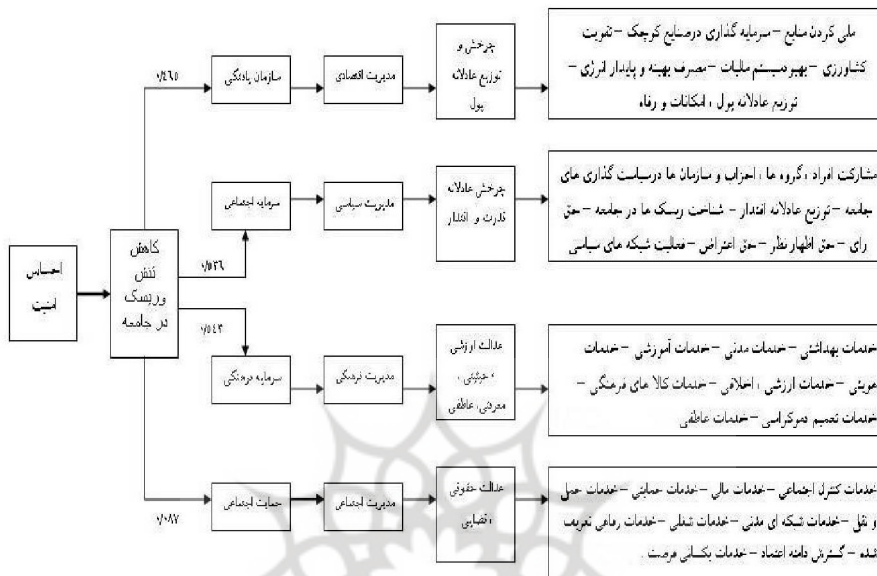
با توجه به بالا بودن میزان آسیب‌ها، بی‌اعتمادی مردم نسبت به کارکرد بهینه نهادها و سازمان‌های اجتماعی و همچنین مسئولان، به دلیل جلوگیری از وخیم‌تر شدن وضع راهکارهای زیر ارائه می‌شود.

راهکارها (پیشنهاد بر اساس داده‌های پژوهش)

اگر قرار جامعه بر بسط امنیت است، باید فرهنگ امنیت، تولید گردد. شکل‌گیری پایه‌های اعتماد باید ارتقا یابد تا انگیزه‌های مشارکت و همکاری در سطح ملی به وجود آید. ظرفیت گروه‌ها برای عمل کردن باید به نفع جمع نیز افزایش یابد تا ایجاد انسجام و یکپارچگی ممکن شود.

- شناخت ریسک‌های جامعه صورت گیرد. باید از کودکی آگاه‌سازی را آغاز نمود، فرهنگ امنیت را در کتاب‌های درسی گنجانید و با آموزش و تکرار رسانه‌ای به‌طور مداوم، آن را درونی ساخت. نابرابری که مؤثرترین عامل نارضایتی است، بیشتر ماهیت فرهنگی دارد، تا اقتصادی و فاصله بین فرهنگ و مدرسه و خاستگاه اجتماعی-اقتصادی فرد عامل مهمی در تعیین موفقیت فرد در نظام آموزشی محسوب می‌شود. تنها با نهادینه ساختن امنیت می‌توان در سایه امنیت بدون تنش، دغدغه و اضطراب زیست!"
- نابرابری در توزیع سرمایه فرهنگی چون گسترش صنعت و فناوری ارتباطی، میزان علقه شناختی جامعه، میزان مساوات‌طلبی جامعه می‌تواند پیامدهای نامطلوبی چون محرومیت اکثریت اعضای جامعه در دسترسی به منابع معرفتی، محدودشدن امکان بسط خردگرایی تعمیم یافته در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، نزول سطح مشارکت همگانی مؤثر در تولیدات و خلاقیت‌های عملی و فرهنگی محدودیت در گردش و جذب دانش نوین و کاهش ارزش تغییر در جامعه به همراه داشته باشد.
- با تأثیر فرهنگ در عرصه‌های زیر بهتر می‌توان به امنیت فرهنگی دست یافت:
- الف - نقش تعیین‌کننده فرهنگ در ساختارها و فراگردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و دینی؛
- ب - نقش مؤثر فرهنگ و توجه به تفاوت‌ها و تمایزهای فرهنگی در مدیریت کارآمد سیاسی - اجتماعی بر افکار عمومی؛
- پ - تأثیر بسزای تلاش برای فائق آمدن بر موانع فرهنگی مربوط به انسجام اجتماعی در تنظیم هرگونه کنش و واکنش ملی و فراملی نسبت به متغیرهای تهدیدزای نوین محیطی؛
- ت - زیرسازی اولیه فرهنگی هرگونه تغییرات اجتماعی، از جمله راهکارهای امنیتی؛
- ث - تأثیر استراتژی‌های فرهنگی (نرم‌افزاری) مبارزه علیه نظم، گفتمان و حاکمیت مسلط؛
- ج - چهره فرهنگی یافتن قدرت؛
- چ - ایجاد توازن عمیق، جهت کنترل بازار کالاهای فرهنگی؛
- ح - افزایش هر چه بیشتر نقش مخاطبان؛
- خ - ایجاد نظام غیرهدایتی کالاهای فرهنگی؛
- د - ترویج بهینه هنجارهای فرهنگی مناسب و نهادینه کردن آن؛

شکل شماره (۲) - الگوی تجربی مدیریت امنیت اجتماعی، فرهنگی



ذ - ایجاد تغییر نگرش ها و گفتمان های منابع فارسی

۱. آبراهامز، جی. اچ. (۱۳۶۹)، **مبانی و رشد جامعه شناسی**، ترجمه حسن یویان، تهران: چاپخش.
۲. بوزان، باری (۱۳۷۸)، **مردم، دولت ها، ترس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. ترنر، جان اتان، اچ. (۱۳۷۳)، **مبحث نظریه های جامعه شناسی**، ترجمه عبدالحسین لهسایی زاده، نشر نوید شیراز.
۴. تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، **مکاتب و نظریه های جامعه شناسی**، تهران: مرنديز.
۵. دورکیم، امیل (۱۳۸۲)، **صور بنيادی حیات دینی**، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۶. روشه، گی (۱۳۷۶)، **جامعه شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه عبد الحسين نیک گهر، تهران: تبیان.

۷. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، **مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی**، تهران: ققنوس.
۸. فرخجسته، هوشنگ (۱۳۸۰)، **بررسی تاریخی ایستارها و ذهنیت‌ها در ایران و ارتباط آنها با امنیت عمومی**، امنیت ملی و وحدت ملی، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، چاپ اول، زمستان.
۹. کاستلز، استفن و دیویدسون، الستر (۱۳۸۲)، **مهاجرت و شهروندی**، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. کریپ، این (۱۳۷۸)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی از پارسونز تا هابرماس**، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: سروش.
۱۱. کلمنس، کوین (۱۳۸۴) «به سوی جامعه‌شناسی امنیت»، ترجمه محمدعلی قاسمی، **فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی**، سال هشتم، شماره دوم.
۱۲. کوزر، لوئیس (۱۳۷۰)، **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی.
۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، **پیامدهای مدرنیته**، ترجمه حسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
۱۴. لویز، خوزه و جان اسکات، (۱۳۸۵)، **ساخت نظریه اجتماعی**، تهران: نشر نی.
۱۵. لیک، دیویدای و مورگان، پاتریک، ام (۱۳۸۱)، **نظم‌های منطقه‌ای، امنیت سازی در جهان نوین**، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. نصری، قدیر (۱۳۸۱) «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، تهران: **فصلنامه راهبرد**، شماره ۲۶، زمستان.
۱۷. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۴)، «چندگانگی امنیت»، **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، شماره دوم و سوم، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
۱۸. نویدنیا، منیژه (۸۵-۱۳۸۴)، «گفتمان پیرامون امنیت اجتماعی»، **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، سال دوم، شماره چهارم و پنجم.

منابع لاتین

19. Bilgin, Pinar, (June 2003), "Individual and Social Dimentions of Security", *International Studies Review*, Vol.5, Issue2.
20. Durkhenim Emile, (1956), *Education and Sociology*, New York: The Free Press.
21. Goetschel, Laurent, (1999), Globalization and security: The Challenge of Collective Action, Expertenkolouium, *Der Euangelische Akadamic Loccum*, Vol.10: bis 12.
22. Parsons, Talcott/Smelser Neily,J.(1984), *Economy and Society*, London: Routledge.